



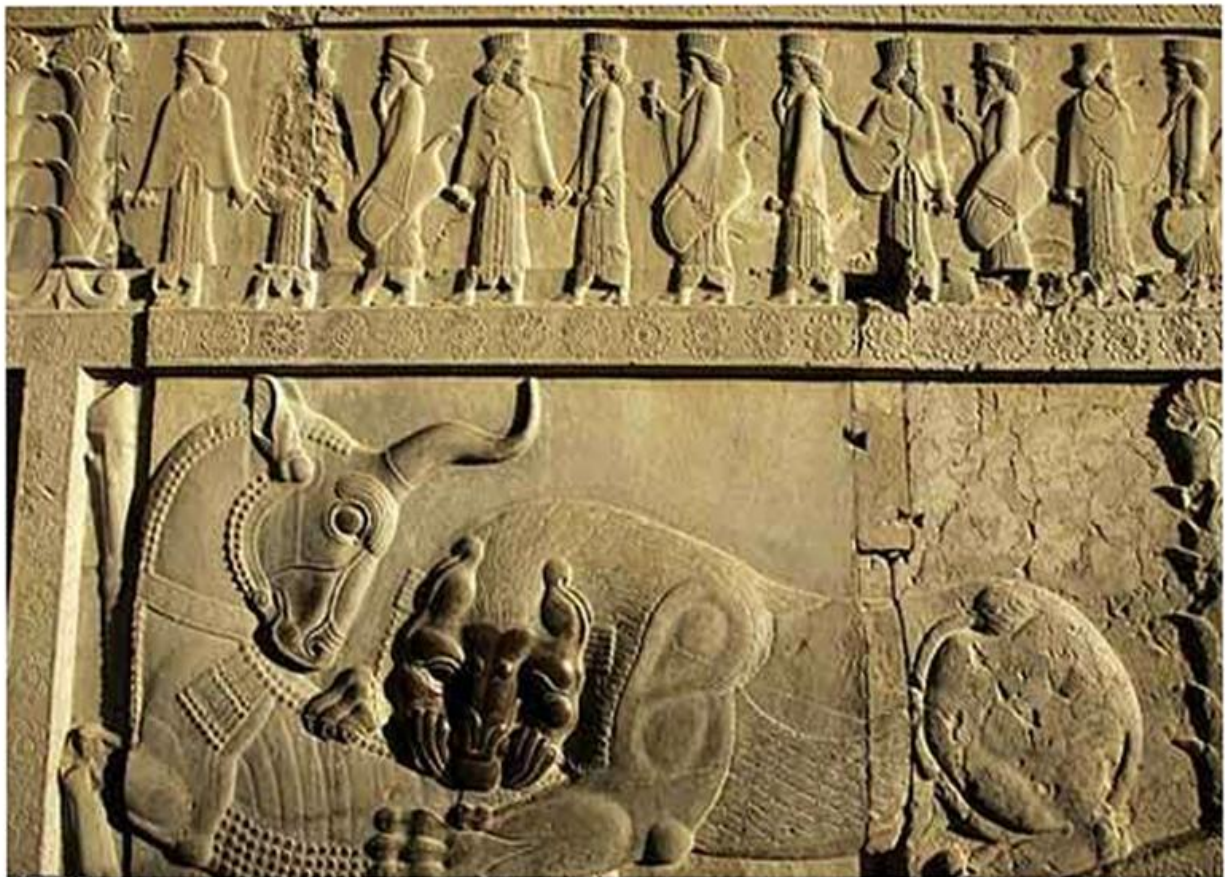
احمد باطبی

23 hrs · 🌐

درسراسر تخت جمشید، نماد تمدن 2500 ساله ما حتی
یک نقش از زن حکاکی نشده است.

#روززن مبارک

پ ن: باید ریشه ماجرا را در گذشته های دور تر جستجو
کرد.



➔ Share

👍👎😬 Ario Barzan. Ba Har As and 266 others Top comments ▾

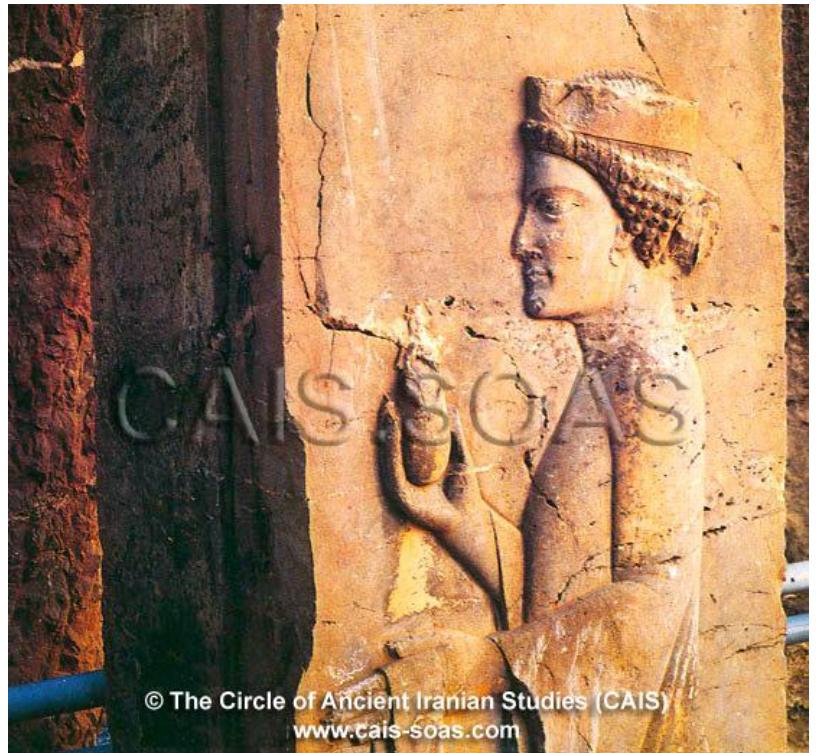
17 shares

گویا نه تنها "خودزنی" و "تف سربالا اندازی" نکبت و بلایی شده است که گریبانگیر قشر "خودروشنفکرپندار" ایران اسلامی شده است، بلکه 'ایران باستان' همچون مرغی شده است که هم در عروسی سر آن بریده می شود و هم در عزا... هم ایرانفروشان و ایرانستیزان (روضه خوانان، مکتبی ها، مذهبیون، اروپامحوران، فراجاهانی ها، توده ای ها، مجاهدین و دیگر مزدوران بیگانه)، بدان یورش می برند و هم اپوزیسیون باصطلاح "دل نگران ایران"!

در تازه ترین این خودزنی های وطنی، احمد باطبی از هواداران جنبش سبز و جناح دولتی اصلاح طلبان رژیم اسلامی است، که بمناسبت روز جهانی زن در تاربرگ دوستداران خود در فیسبوک به ایران باستان یورش برده و ریشه زنستیزی در ایران را به ایران باستان پیوند داده است، که نیازست پاسخی داده شود، که اگر از روی غرض انجام نشده است، شاید از خود زنی دست کشد!

پاسخی به آقای باطبی

آقای باطبی در زیر همان پست، به شیوه 'پرسش بلاغی' (question Rhetorical) نوشته اید: "باید ریشه ماجرا را در گذشته های دور تر جستجو کرد". بگفته ای دیگر، با مطرح ساختن زنستیزی و گذاشتن "تخت جمشید" در کنار آن در چند جمله این مساله را ارائه می دهید که زنستیزی در ایران پیشینه ای بسیار دور و ریشه در تمدن و تاریخ ایران باستان دارد. ولی اینچنین نیست، هم میهن ره گم کرده! "ریشه" این ماجرا "سر نه در گذشته ایی دور، بلکه سر در دو مساله دارد: نخست، نا آگاهی و ناآشنایی شما درباره تاریخ و تمدن ایران باستان دارد که در تخت جمشید نگاره زن هم یافت می شود ولی نیاز به دو چشم بینا و خواندن دست کم یک کتاب درباره تخت جمشید دارد؛ و دوم در اسلام!



نخست در سمت چپ تصویری از زن هخامنشی در تخت جمشید را برای شما گنجانده ام [2] تا توجه شوید که نگاره زن در تخت جمشید یافت می شود و اگر نیاز باشد نمونه های دیگری را از زمان هخامنشیان در اختیارتان خواهم گذاشت که زن در ایران باستان "ضعیف" نبوده است. افزون بر آن، حتی پنداشت را بر آن بگذاریم که سخن شما درست باشد (که نیست) و "در سراسر تخت جمشید، حتی یک نقش از زن حکاکی نشده است"، ولی برای شناخت جایگاه زن در زمان هخامنشیان نیازی به حجاری نیست، بلکه ارجاع به منابع تاریخی نوشته یونانی زبانان از جمله هرودوت و نیز شواهد و مدارک باستانشناسی بدست آمده از جهان هخامنشی، از جمله شوش و داسکالیون (در ترکیه امروزی)، مهرهای زنان دربار و زنان بلند پایه کشوری، و مهمتر "گلنبشته های بدست آمده از تخت جمشید (مدارک رسمی اداری و دیوانی هخامنشیان)" [3] کافی ست تا تصویری روشن از روزگار زنان در ایرانی هخامنشی بدست آید.

برای نمونه، بر اساس گلنبشته های یافت شده در تخت جمشید، زنان کارگر حقوقی یکسان و برابر با مردان هم رده خود می دریافتند، که حتی در برخی از گلنبشته ها بالاترین حقوق ها از آن زنانی بوده که سرکار و مدیر بوده اند ثبت شده است (حقوق پایه ای: ۵۰ لیتر جو در ماه، ۳۰ لیتر شراب یا آبجو و یک-سوم یک بز یا گوسفند). نیز زنان کارگر باردار، ۵ ماه پیش از زایمان از حقوق بدون کار دریافت می کرده اند، که پس از زایمان، ماهانه یک کوزه ۱۰ لیتری شراب یا آبجو و ۲۰ لیتر جو، گندم و گاهی آرد، افزون بر حقوق پایه آنان پرداخت می شده است. [4]

بهر روی، اگر برآستی می خواهید زنستیزی را در ایران ریشه یابی کنید و چه شده است که امروز بر "زنان ایرانی" این ستم ها از سوی هم میهنان مردشان روا می شود، به کیش اسلام و فرهنگ جاهلیت تازی که در آن ریشه دارد جستجو کنید؛ - زیرا این اسلام است که زنان را "ضعیفه" و موجودی در مالکیت و کشتزاری برای مردان[5] می داند، نه در ایران باستان که زنان ایرانی از حقوقی یکسان و برابر با مردان برخوردار بودند. (پیشنهاد می کنیم این مقالات دانشگاهی را مطالعه نمایید: 6، 7]

دو دیگر، "تخت جمشید، نماد تمدن ۲۵۰۰ ساله" ایران نیست، بلکه نماد تمدن هخامنشی و بخشی مهم از هویت و شناسنامه ایرانیست! زیرا که نماد هویت و تمدن ایرانی، تاریخ، زبان، جشن ها، رسوم، دستاوردهای هنری، ادبی، علمی و فرهنگی چندین هزار ساله نیاکانمان است که بدرآزای خود تاریخ و از دوران پیش اوستایی آغاز شده است.

گنهکار رژیم روضه خوانان است نه باطبی ها!



شوربختانه، با بر سر کار آوردن رژیم روضه خوانان توسط غرب و اسرائیل و حاکمیت رژیم خونخوار و غوغاسالار مذهبی در ایران که حذف قشر نخبگان از جامعه ایرانی شد، امروز جامعه ایرانی سطحی گرا گشته و بخشی بزرگی از مردم ما به اهمیت تقسیم کار فکری دیگر واقف نیستند. بدینروی، بیشتر کسانی که امروز در ایران اهل مطالعه نسبی می باشند، ضرورت و اهمیت داشتن یک زمینه کارشناسی در مطالعاتشان را درک نمی کنند، بدینروی همواره از شاخه ای به شاخه ی دیگری پریده و در هر زمینه و شاخه ای از دانش و هنر، خود را کارشناس و صاحب نظر می پندارند. این عده چون اطلاعاتشان سطحی است، در نتیجه دیدگاه ها و دیدگاه هایشان یا از حد کلی گویی فراتر نمی رود و یا اطلاعاتی که ارائه می دهند که بطور کل نادرست است، که این ادعای شما بهترین نمونه آن ها می باشد. در واقع می توان گفت اطلاعاتی شما که بخشی از آن قشر هستید، "به پهناوری یک اقیانوس، ولی با ژرفای یک وجب" است!

بهرروی، بگفته □ محمود سریع القلم، "تفکر علمی از دقت در جزئیات بدست می آید" و زمانی کسی دارای زمینه □ پژوهشی روشن و معینی است، اندیشه و ذهن او به یک آمادگی، ورزیدگی و بهره وری ویژه ای می رسد که بدان "بینش" یا "بصیرت" می گویند. این بینش پس از آمیزش با دانش ("سواد" یا "literacy") در یک رشته کارشناسانه، که البته با سال ها پژوهش و بررسی همراه است، آن شخص را صاحب نظر و کارشناس در آن زمینه ساخته و دیدگاه هایش معتبر شناخته می شود. [8]

بنابراین، نظر دادن آنهم بگونه‌ای این چنین "قطعی" در حوزهٔ تاریخ ایران باستان، تمدن و فرهنگ ایرانی که همانند همهٔ رشته‌های عملی و فنی، نیاز به کارشناسی فنی دارد، حرکتی سطحی گرایانه است. لُب کلام، بگفته قدیمی‌ها و داستانزد [ضرب المثل] مردمی: "کار هر بز نیست خرمن کوفتن - گاو نر می‌خواهد و مرد کهن!"، بهترین پیشنهاد بنده به شما، به هر رشته‌ای که در آن فعالیت داشته‌اید پرداخته و حوزهٔ تاریخ ایران باستان، تمدن و فرهنگ ایران که یک رشته پیچیده‌ایست و نیاز به چیرگی کامل بر تاریخ، هنر، ادبیات، باستانشناسی، زبان‌های کهن ایرانی دارد و نیز آشنایی با تواریخ میانرودان، یونان و روم باستان به‌مراه زبان‌هایشان از ضروریات این رشته بشمار می‌روند، را بر عهده کارشناسانش بگذارید.

البته، همزمانی که در تلاشم تا این یورش شما به فرهنگ ایرانی را پای نادانی شما بگذارم، نمی‌توانم از مد نظر دور نگه دارم که اسقف اعظم و قبله عالم شما سبزی‌ها، السید میرحسین موسوی است، که تار و پود هستی‌اش را با ایرانستیزی نهاده شده است [9] - و بگفتهٔ انگلیسی‌ها: "سیب از درختش دور نمی‌افتد!" - امیدوارم که در اشتباه باشم و من زرتشتی به رسم شما مسلمان خواهم گفت "انشالله که گربه است" و شما همانند پیرتان ایرانستیز نیستند!

پایان سخن

با آنکه از تلاش‌های شما در زمینه حقوق بشر قدردانی می‌کنم، ولی همزمان پیشنهاد می‌کنم که بهتر است شما در همان زمینهٔ حقوق بشر به فعالیت خود ادامه داده و وارد حوزهٔ تاریخ ایران باستان، تمدن و فرهنگ ایرانی نشوید تا احترامی که با همان تصویر پیراهن خونینی در دست دارد که مزین جلد اکونومیست شده بود را برای خود نگه داشته و خدای ناکرده کسی شما را آدمی سطحی، بی‌محتوا، بی‌سواد و حتا ایرانستیز و ایرانفروش نخواند.

به امید سرنگونی رژیم روضه‌خوانان، آزادی ایران گرامی‌تر از جان و ریشه‌کن‌سازی سطحی‌گری و ایرانستیزی در کشورمان!

شاپور سورنپهلو

روز سال ۳۷۵۲ بهدینی

۱۸ اسفندماه ۲۵۷۸ شاهنشاهی

۸ مارس ماه ۲۰۱۶ ترسایی

بازبردها: [منابع] و فرامودها: [توضیحات]:

1 -

<https://www.facebook.com/photo.php?fbid=653426158128414&set=a.242841535853547.1073741830.100003831061524>

2 - https://www.cais-soas.com/CAIS/Women/women_in_pre-islamic_iran.htm

3 - <https://oi.uchicago.edu/sites/oi.uchicago.edu/files/uploads/shared/docs/oip92.pdf>

4 - هاید ماری کخ. از زبان داریوش. ترجمه پرویز رجبی. چاپ تصویر گیلان. تهران

5 - سوره بقره آیه ۲۲۳: نَسَأُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنِّي سَتُّنْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

ترجمه: "زنانتان کشتزار شما هستند. هر جا که خواهید به کشتزار خود در آید. و برای خویش از پیش چیزی فرستید و از خدا بترسید و بدانید که به نزد او خواهید شد. و مومنات را بشارت ده."

یا سوره نساء، آیه ۱۱: وَصَّ كُمْ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَىٰ ۚ لِلَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ غَافِلُونَ ۗ إِنَّ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دِينِ آبَائِكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَلَيْسَ أَقْرَبَ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ كَنْعًا لِمَا حَكَمَ مَا .

ترجمه: "خدا در مورد فرزندانان به شما سفارش میکند که سهم پسر برابر سهم دو دختر است. و اگر دختر باشند و بیش از دو تن، دو سوم میراث از آنهاست. و اگر یک دختر بود نصف برد و اگر مرده را فرزندی باشد هر یک از پدر و مادر یک ششم میراث را برد. و اگر فرزندی نداشته باشد و میراث بران تنها پدر و مادر باشند، مادر یک سوم دارایی را برد. اما اگر برادران داشته باشد سهم مادر، پس از انجام وصیتی که کرده و پرداخت وام او یک ششم باشد."

6 - https://www.cais-soas.com/CAIS/Women/avestan_women.htm

7 - https://www.cais-soas.com/CAIS/Women/aryan_womenhood.htm

8 - این بخش بازنویسی و ویرایش از نوشتار دوستی در فیسبوک می باشد، که چون در برهه زمانی دسترسی به ایشان امکان پذیر نیست، از نام بردنشان خودداری می شود.

۹ - سورنپهلو، شاپور، " آقای موسوی دم خروس را باور کنیم یا قسم ... ؟ "

□